



بهار احمدی نژاد در مسیر ناکجا آباد

ایران: احمدی نژاد باز هم جنجال آفرید تا دیده شود. درحالی که سؤال از پرونده‌های مفتوح وی در قوه قضائیه پای ثابت نشست‌های سخنگوی قوه قضائیه است، او همچنان بر درستی مسیر طی شده در دولت‌های نهم و دهم اصرار دارد و یک انتقاد ساده به خود را هم برنمی‌تابد. حالا در موضعی طلبکارانه دولت مستقر را به بی کفایتی متهم کرده و از رئیس جمهوری خواسته از سمت خود کناره‌گیری کند. نفس بیان این سخنان به نوبه خود نشانه تفاوت فضا در دولت‌های دهم و دوازدهم است. در دولت دوم احمدی نژاد فضا به گونه‌ای بود که بسیاری، تنها به دلیل انتقاد از رئیس دولت طعم بازداشت و فشارهای نامتعارف را به جان خریدند. اما حالا احمدی نژاد و یارانش بی هراس از بازخواست و شاید با این احتمال که افکار عمومی ایران حافظه تاریخی ندارد و کارنامه او و دولتش را از یاد برده است، برای دولتی که یک سال و نیم پیش از مردم رأی اعتماد گرفته است، خط و نشان می‌کشند. چرا احمدی نژاد به جای پاسخگویی به تاریخ و افکار عمومی، راه تهاجم را در پیش گرفته است؟

چالش دولتی‌ها با منتقدان نجیب و دشمن نانجیب

جوان: شخص رئیس‌جمهور و بیشتر اعضای هیئت دولت این روزها حالت دفاعی به خود گرفته‌اند، دفاع از برجام، دفاع از دلار رانت آور ۴۲۰۰ تومانی، دفاع از پیوستن به گروه ویژه اقدام مالی (گوام)، دفاع از وعده‌های پرشمار و در مجموع دفاع از وضع موجود. در یک مورد به رغم دفاع افرادی از کابینه، شخص رئیس‌جمهور ناگهان آب و هوا عوض کرد و موضع متفاوتی گرفت: «پیوستن به توافق پاریس برای کاستن از انتشار گازهای گلخانه‌ای.» همین دولت و رئیس آن تا چندی پیش درباره همه این موضوعات حالت تهاجمی داشتند، با این حال پس از ناکامی‌های پی در پی و گرفتن حالت تدافعی، با کمترین سرزنش منتقدان روبه رو شدند، زیرا برخلاف رویه اصلاح‌طلبان در ایران که در نقد طرف مخالف، ملاحظات ملی ندارند و ملاحظه سوءاستفاده دشمن خارجی را نمی‌کنند، منتقدان آن‌ها اتفاقاً اول از همه، شرایط کلی میهن اسلامی و نفع و ضرر دشمن خارجی را در نظر می‌گیرند و به همین خاطر در بسیاری از موارد دهان‌شان بسته می‌شود و ترجیح می‌دهند ساکت بمانند تا مبادا از نقد وضع موجود، نفعی هم به دشمن برسد. در چنین شرایطی کمترین انتظار از دولت و طرفداران دولت، خرج کردن مقداری حیا در مواجهه با منتقدان دلسوز داخلی است، نوعی از همان حیا و رواداری که معمولاً با دشمن خارجی روا داشته می‌شود! در موضوع برجام، آقای ظریف در سخنی عجیب این حرف چندین ساله منتقدان را که «امریکا و غرب، مرکز جهان نیستند» مصادره کرده و به عنوان دیدگاه خویش، آن را بر سر منتقدان داخلی می‌کوبد و می‌گوید: «ما نباید همه فکر خود را معطوف به امریکا کنیم. بزرگ‌ترین مخالفان مذاکره با غرب، غرب را مرکز جهان می‌بینند (!) جاهایی که داد ضدیت با امریکا سر می‌دهند، باور ندارند امریکا را هم می‌توان شکست داد.» قطعاً کذب این ادعا روشن‌تر از آن است که نیازی به تبیین داشته باشد، اما اینکه چرا و چگونه چنین رسمی متداول می‌شود که با سخنان منتقدان، خود منتقدان را بکوبیم، نیاز به تحلیل سیاسی و البته روانشناسانه دارد. نکته آنجاست که جناب وزیر خارجه هنوز در رفتار خود مقابل غرب، آنان را مرکز جهان فرض می‌کند.

اظهارات جنجالی رحیم پور ازغدی

خراسان: حسن رحیم پور ازغدی در سخنرانی پیش از خطبه های نماز جمعه این هفته تهران ، افزود: رهبری در یکی از مباحث درسی اخیر خود اعلام کردند تابع منطق امیرالمومنین(ع) هستیم. تمام نهادهای حکومت در سه قوه و تمام نهادهایی که به طور خاص منصوب رهبری هستند، باید به لحاظ اقتصادی و مدیریت کاملاً شفاف و مسئولیت پذیر باشند. این که چقدر پول، قدرت و اختیارات در دست شما بوده و چه مسئولیت هایی برای شما تعریف شده و چه کرده اید، یکی از این نهادها هم شورای عالی انقلاب فرهنگی است و این شورا هم باید پاسخ گو باشد که در راس آن رئیس شورا که همیشه رئیس جمهوری است، باید پاسخ گو باشد. دبیرخانه و اعضای حقوقی شورا باید پاسخ گوی مسئولیت و اختیاراتی که دارند و اعضای حقیقی نیز باید پاسخ گوی مواضعی که گرفتند و مواضعی که باید می گرفتند و نگرفتند، باشند. وی تاکید کرد: همه باید جواب دهند که آیا در دوره مسئولیت به خودشان رسیدند یا به مردم و محرومان؟ رهبری هم باید پاسخ گوی اختیارات خودش باشد که هست، نباید رهبری پاسخ گوی کوتاهی های ما در نهادها، در رسانه ها، رسانه ملی، نماز جمعه و سایر نهادهای حکومتی باشد.

سنا در مقابل ترامپ

همدلی: ساز مخالفی که سناتورهای مثل لیندزی گرم و باب کورکر جمهوری خواه و برنی سندرز چپ گرا در هفته های اخیر در مواجهه با سیاست های عربستانی ترامپ کوک می کردند، پریروز سرانجام نواخته شد. سنای آمریکا که اکثریت آن در اختیار جمهوری خواهان هم حزبی رئیس جمهور است، با رای ۵۶ به ۴۱، موضعی در مخالفت آشکار با ترامپ گرفت و در حرکتی که صراحتاً واکنش یا به عبارت بهتر مجازات بابت قتل خاشقجی خوانده می شود، رای به پایان حمایت آمریکا از جنگ سعودی ها در یمن داد و نیز در رای جداگانه ای، به اتفاق آراء، محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی را مقصر در قتل روزنامه نگار واشنگتن پست، جمال خاشقجی دانستند. تصمیم سنا درباره یمن بر اساس قانون «قدرت های جنگی» مصوب سال ۱۹۷۳ گرفته شد که تا به حال هرگز توسط هیچ یک از دو مجلس کنگره استفاده نشده بود و اما در اقدامی تاریخی و برای اولین بار در مخالفت با تصمیم رئیس جمهوری به کار گرفته شد که اکثریت کنگره را هنوز در اختیار دارد.



نگاه ظریف

صبح نو: دکتر ظریف در همایش حزب «ندای ایرانیان» درباره نگاه خود و مخالفانش به غرب سخن گفت. اصل سخن ایشان تأکید بر عبور از آمریکا در دنیای جدید بود. او وقتی خواست نگاه خود را توضیح دهد گفت که جهان از آمریکا عبور کرده و به تعبیری جهان جدید جهان پساآمریکایی است. او در نقد مخالفانش هم گفت که آن‌ها بیش از حد به قدرت آمریکا اعتقاد دارند و در نگاه آن‌ها آمریکا اهمیت فراوانی دارد. آنچه محمدرضا ظریف به تازگی گفته است به تعبیری تغییر نگرش او از لیبرالیسم در روابط بین‌الملل به پست‌مدرنیسم است. انگار او از نظریه‌های مدرن به سمت پست‌مدرن تغییر مسیر داده است. این تغییر نگرش بیش از هر چیزی حاصل به قدرت رسیدن ترامپ در آمریکاست. زمانی که دموکرات‌ها در قدرت بودند ظریف کاملاً نگاه وارونه‌ای داشت و محور سیاست جهانی را آمریکا می‌دانست. پس از روی کار آمدن ترامپ اما انگار هویت سیاست‌های ظریف و روحانی با چالش مواجه شده و ظریف به عنوان رییس دیپلماسی تئوری جدیدی برای ادامه کار خود و تیمش ساخته است؛ گزاره‌هایی که روزگاری از زبان اصولگرایان و احمدی‌نژاد خارج می‌شد. انگار زمانه بر عکس شده باشد که ظریف چنین سخن می‌گوید. به نظر می‌رسد که این تغییر نگرش ظریف نیاز زمانه قدرت ترامپ است. انگار این حرف در این مورد خاص دقیق است که واقعیات و آب‌ژه، اندیشه و گفتمان را می‌سازد.

آموزش تحلیل سیاسی / افول آمریکا و انتقال قدرت از غرب به شرق

امانوئل والرشتاین جامعه‌شناس شهیر آمریکایی و ارائه‌دهنده‌ی نظریه‌ی «نظام جهانی» به صراحت تأکید می‌کند که آمریکا در مسیر سقوط قرار گرفته و افول این کشور امری حتمی و اجتناب‌ناپذیر است. به‌گفته‌ی این جامعه‌شناس، «از زمان جنگ ویتنام تا حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، از سرعت روند و توسعه‌ی اقتصادی آمریکا کاسته شده و این کشور، درخشش ایدئولوژیک خود را از دست داده است.»

یمن در انتظار محاکمه آغازگران جنگ

تجارت: هیچ جنگی پایان ندارد اما عواقب آن سالها باقی می‌ماند. مردانی که می‌میرند تا زنانی بیوه و کودکانی یتیم شوند، ساختمانهایی که ویران می‌شوند تا خانواده‌هایی بی سرپناه بمانند، شهرهایی که زیر بمباران هواپیماها و موشکها به خرابه تبدیل می‌شوند و تجاوزهایی که به حریم انسانها صورت می‌گیرد تا مفهوم انسانیت را تغییر دهند. اما سوال اینجاست که چرا جنگ رقم می‌خورد؟ بی شک آنهایی که جنگ را آغاز می‌کنند، مسبب اصلی جنایت بشری هستند و نام خود را برای همیشه در لیست منفورترین افراد جهان ثبت می‌کنند. البته امروزه معنا و دلایل جنگ تغییر کرده است. اگر به کارخانه‌های اسلحه سازی سلطه گران جهانی نگاهی بیندازیم و گردش مالی ناشی از ساخت و فروش جنگ افزارها را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که چه سود کلانی در جنگها نصیب سلطه گران می‌شود. بنابر این هر گلوله‌ای که شلیک می‌شود، چرخهای کارخانه‌های اسلحه سازی را به حرکت در می‌آورد. استکبار جهانی همواره به دنبال ایجاد هراس در بین کشورها هستند و این هراس آفرینی باعث می‌شود تا هواپیماهای جنگنده، موشکها، تانکها و در یک کلام سلاحها به فروش برسد. با این روش، کشورهایی که می‌توانند درآمدهایشان را صرف توسعه و بهبود زیرساختها کنند، سلاح می‌خرند. امروز زمزمه صلح در یمن به گوش می‌رسد به راستی بازنده اصلی این جنگ چه کسی بوده و پیروز کیست؟ عربستان و کشورهای که سلاحهای آمریکایی را خریدند و به جان مردم یمن افتادند، چه سودی بردند؟